



بررسی پتانسیل‌های بالقوه صادراتی صنایع تبدیلی غذایی کشاورزی در استان خراسان

محمد مظهری - سعید یزدانی - یونه افتخاریان*

چکیده

تعیین و جایگاه محصولات مختلف از نظر پتانسیلها و توانمندیهای بالقوه یکی از مباحث مهم و اساسی در اقتصاد کشاورزی بوده که می‌تواند فعالیتهای سرمایه گذاری در امر تولید را با هدف توسعه صادرات غیر نفتی به طور صحیحی هدایت نماید. در واقع برای موفقیت در عرصه های بین المللی لازم است که توانایی رقابت پذیری محصولات و اولویت بندی آنها تعیین گردد تا تولید محصولات مختلف به صورت کارآمدتری در نظام تخصیص منابع صورت گیرد. در همین راستا در تحقیق حاضر اقدام به شناسایی و اندازه گیری پتانسیل‌های بالقوه صادراتی برای محصولات منتخب صنایع غذایی استان خراسان شامل انواع آب میوه، کنسانتره، پوره میوه، کمپوت و رب گوجه فرنگی با استفاده از روش مزیت نسبی بر اساس حسابداری صنعتی گردید. اطلاعات و آمار مورد نیاز برای محاسبه شاخصهای مورد استفاده از کارخانجات صنایع غذایی استان که دارای سیستم حسابداری صنعتی بوده، در سال 1382 جمع آوری گردید. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در بین 31 محصول غذایی مورد بررسی، 18 محصول از مزیت رقابتی برخوردار می‌باشند و مابقی محصولات فاقد تواناییهای لازم برای رقابت در عرصه های بین المللی بوده و از مزیت رقابتی برخوردار نمی‌باشند. همچنین تحلیل حساسیت شاخص های محاسباتی نسبت به تغییرات احتمالی در متغیرهای نرخ ارز، قیمت جهانی محصول، هزینه های سربار تولید، هزینه های غیر تجاری، هزینه مستقیم نیروی کار و ارزش مواد اولیه بکار گرفته شده در محصولات غذایی کشاورزی، انجام گرفت و نتایج نشان داد که شاخص مزیت رقابتی برای محصولات غذایی کشاورزی نسبت به تغییرات در قیمت جهانی محصولات بسیار حساس و کشش پذیر است.

مقدمه :

امروزه برنامه توسعه صادرات محصولات غیر نفتی با توجه به بحرانهای اقتصادی کشورهای متکی بر درآمدهای صادراتی نفتی در سرلوحه برنامه های اقتصادی این کشورها قرار گرفته است. رشد و توسعه صادرات محصولات غیر نفتی شامل محصولات و کالاهای مختلفی است که افزایش در تنوع آن از مهمترین سیاستهای اتخاذ شده در برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور می‌باشد که نیل به این هدف مهم به میزان زیادی بستگی به توان تولیدی و قدرت رقابتی محصولات تولید شده در بازارهای جهانی دارد. واضح است که هر منطقه یا کشور خاصی با توجه به شرایط و امکانات خاص خود از توانمندیها و پتانسیل های مختلفی برخوردار است که یکی از ابزارهای مهم مورد نیاز برای بررسی و شناخت این توانمندیها آگاهی از مزیت های نسبی است.

با توجه به تنوع زیاد آب و هوایی و همچنین به دلیل امکانات بالقوه فراوانی که در استان خراسان وجود دارد این استان را به عنوان یکی از قطبهای مهم تولیدی محصولات کشاورزی در سطح کشور قرار داده است لذا با توجه به میزان تولیدات این محصولات می‌توان با سرمایه گذاری در زمینه ایجاد صنایع تبدیلی کشاورزی علاوه بر تأمین تقاضای مواد غذایی که با توجه با روند روبه افزایش جمعیت به طور مداوم

* به ترتیب محقق مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی خراسان - عضو هیئت علمی دانشگاه تهران - کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی



افزایش می یابد با تولید محصولاتی با ارزش افزوده بالاتر جهت عرضه به بازارهای داخلی و خارجی، صادرات محصولات غیر نفتی را نیز بهبود بخشید.

در بین محصولات مختلف صنایع تبدیلی غذایی در استان خراسان، تولید محصولاتی از قبیل رب گوجه فرنگی، کمپوت و همچنین انواع آمیوه و کنسانتره از اهمیت ویژه ای برخوردار است لذا در این مطالعه سعی شده است که پتانسیل های تولیدی استان در زمینه انواع مختلفی از این قبیل از محصولات با استفاده از معیار هزینه منابع داخلی¹ (DRC) که یکی از معیارهای مناسب جهت تعیین مزیت نسبی است مورد بررسی قرار گیرد. به جهت محدودیت در آمار و اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه شاخص DRC به اطلاعات پنج واحد تولیدی در این زمینه در سال 1382 اکتفاء شده است.

1- بررسی ادبیات موضوع

نظریه های تجارت با نظریات سوداگران که در قرون 17 و 18 نظریه حاکم بر تجارت بود آغاز گردید. آنها اعتقاد داشتند که یک کشور باید تلاش کند تا با صادرات بیشتر نسبت به واردات ثروتمند شود آنگاه مازاد صادرات خود را به صورت فلزات قیمتی، طلا و نقره نگهداری کند (سالواتور، 1376)

در سال 1776 آدام اسمیت نظریه مزیت مطلق خود را بیان نمود. او اظهار داشت که طبق نظریه مزیت مطلق هر کشوری در تولید کالایی که به علل طبیعی و اکتسابی مهارت و مزیت تولید آنرا بیشتر از سایر کشورها دارد تخصص می یابد و آنگاه تولید اضافی خود را که در این کالا بدست آورده است با کالای دیگری که کشور دیگر در آن مزیت دارد معاوضه می کند. طبق نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت اگر کشوری محصولات تولیدی خود را نسبت به کشورهای دیگر ارزانتر تولید کند در آن صورت تجارتی برای آن کشور نباید صورت گیرد. دیوید ریکاردو در پاسخ به نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت نظریه مزیت نسبی خود را بیان نمود. طبق قانون مزیت نسبی حتی اگر یک کشور در تولید هر دو کالا نسبت به کشور دیگر کارایی کمتری داشته باشد هنوز هم پایه ای برای تجارت در جانبه سودآور وجود خواهد داشت. ریکاردو اساس تئوری مزیت نسبی را مبتنی بر این معرفی نمود که هر کشوری می تواند کالا و یا کالاهایی را به طور نسبی به قیمت ارزانتری از کشورهای دیگر تولید نماید. نظریه مزیت نسبی بعدها توسط هکشر- اوهلین و سپس هابزلر بسط و توسعه پیدا کرد. (سالواتور، 1376)

مزیت نسبی عبارتست از توانایی یک کشور در تولید و صدور کالاهایی با هزینه ارزانتر (نادری، 1371). نکته ای که در مفهوم مزیت نسبی باید به آن توجه کرد این است که به دلیل پیشرفت تکنولوژی در دنیای امروز مزیت نسبی یک کشور در چندین کالا اصل ثابتی نیست بنابراین اگر ساختار تولید در کشوری از پویایی لازم برخوردار نباشد و نتواند خود را با نوآوریها و پیشرفت تکنولوژی هماهنگ سازد به مرور مزیت نسبی خود را از دست خواهد داد. بنابراین می توان مفهوم مزیت نسبی را به صورت دقیق تری تعریف نمود



به این صورت که مزیت برای یک کشور یا یک منطقه خاص را می توان توانایی آن کشور در تولید کالا هایی ارزانتر و همچنین صدور کالاهایی با کیفیت بالاتر دانست. (کرمانی و دایی، ۱۳۷۶)

۲ - روش تحقیق

طبق تعریف مایکل برونو (1972) DRC عبارتست از « مقدار منابع داخلی که در یک فعالیت تولیدی مورد استفاده قرار می گیرد تا یک واحد ارز خارجی بدست آید یا در یک واحد ارز خارجی صرفه جویی شود. در واقع از طریق این روش هزینه فرصت صرفه جویی عوامل تولید داخلی به کار گرفته شده در تولید یک واحد از محصول با هزینه حداقل بدست آمده از هر واحد ارز خارجی مقایسه می شود این روش با بهره گیری از قیمت سا به ای محصول ونهاده های مورد استفاده نشان می دهد که هزینه یا منفعت اجتماعی در تولید یک محصول بیشتر است یا در واردات آن (مسترزونلسون، 1995) بنابراین اگر ضریب DRC تخمین زده شده کوچکتر از یک باشد ($DRC < 1$) بدین معناست که برای به دست آوردن یک واحد ارز خارجی کمتر از یک واحد از منابع داخلی مورد نیاز است در نتیجه در تولید آن محصول مزیت نسبی وجود دارد. اگر ضریب DRC بزرگتر یک ($DRC > 1$) باشد بدین معناست که برای بدست آوردن یک واحد ارز خارجی نیاز بیشتری به یک واحد از منابع داخلی است بنابراین تولید آن محصول فاقد مزیت نسبی است. ضریب $DRC=1$ نیز به معنی آنست که بدست آوردن یک واحد ارز خارجی برابر با صرف هزینه یک واحد از منابع داخلی است بنابراین ارجحیتی بین تولید محصول در داخل یا واردات آن وجود ندارد. محققین مختلف در مطالعات خود متناسب با موضوع مورد بررسی به طرق مختلفی از شاخص هزینه منابع داخلی استفاده نموده اند به طوری که در نهایت هدف همه آنها اندازه گیری منابع داخلی به کار گرفته شده در تولید یک واحد از محصول خاص بوده است. رابطه مورد استفاده جهت محاسبه شاخص هزینه منابع داخلی که در برخی از مطالعات مورد استفاده قرار گرفته است به صورت زیر میباشد:

$$DRC = \frac{C - eC_E}{e.P_W - eC_E}$$

که در آن

C = هزینه کل تولید برای یک واحد محصول

e = نرخ ارز

C_E = هزینه نهاده های خارجی برای تولید یک واحد محصول

p_W = قیمت مرزی محصول (قیمت فوب صادراتی یا سیف وارداتی)



مشکل عمده شاخص DRC در عمل بیشتر مربوط به ضرائب داده- ستانده که در محاسبه آن مورد استفاده قرار می گیرد می باشد. در مورد فعالیتهای صنعتی به دلیل آنکه این ضرائب اغلب در سطح بخشی به جای کالایی تهیه می شود به علت عدم دسترسی به ضرائب فنی برای یک کالای خاص عملاً محاسبه DRC با مشکل مواجه است. بنابراین زمانی که هدف مورد نظر ارزیابی محصولات مختلف تولیدی به جای گروه خاصی از محصولات است از جمله راههای ممکن بررسی مستقیم هزینه های واحدهای تولیدی و سپس تعدیل این هزینه ها برای انعکاس هزینه فرصت از دست رفته منابع داخلی می باشد. لذا جهت محاسبه شاخص DRC در سطح یک کالای خاص، استفاده از اطلاعات هزینه های حسابداری واحدهای تولیدی مورد استفاده محققین قرار گرفت و از این طریق رابطه جدیدی برای محاسبه شاخص هزینه منابع داخلی بدست آمد (سیف، 1379) این روش محاسبه توسط پرکینز در چین (1997) به طریقی استفاده شده است.

مفهوم هزینه منابع داخلی (DRC) را می توان به صورت زیر نشان داد:

هزینه فرصت عوامل داخلی برای تولید یک واحد از محصول

$$DRC = \frac{\text{ارزش سایه ای نرخ ارز} (\text{ارزش افزوده یک واحد از محصول به پول خارجی})}{\text{ارزش سایه ای نرخ ارز}}$$

صورت کسر یعنی هزینه عوامل داخلی شامل دو دسته از هزینه هاست:

الف - هزینه های عوامل اولیه تولید (نیروی کار و سرمایه)

- هزینه نیروی کار: هزینه مربوط به نیروی کار شامل دستمزد، حقوق و غیره است که باید با استفاده از یک عامل تبدیل مناسب به هزینه فرصت نیروی کار تبدیل شود.

- هزینه سرمایه: پس از محاسبه هزینه سرمایه به کار رفته در هر واحد از محصول بایستی با استفاده از یک ضریب تبدیل مناسب، آنرا به هزینه فرصت سرمایه تبدیل نمود.

ب- هزینه های غیر تجاری

هزینه های غیر تجاری به مواردی اطلاق می شود که نه می توان آنها را صادر نمود و نه امکان تهیه آن از طریق واردات ممکن است. هزینه های مانند برق، انرژی، آب، مالیات، اجاره، بیمه و غیره از این دسته از هزینه ها به شمار می آیند.

مخرج کسر نیز شامل ارزش افزوده یک واحد از محصول به پول خارجی و نرخ سایه ای ارز است. برای محاسبه ارزش افزوده باید قیمت جهانی محصول (قیمت فوب صادراتی یا سیف وارداتی) را از ارزش اقلام و مواد تجاری مصرف شده در تولید یک واحد محصول کم نموده و پس از محاسبه نرخ سایه ای ارز نتیجه را در آن ضرب نمود. با توجه به مطالب گفته شده رابطه محاسباتی شاخص DRC را می توان به صورت زیر نشان داد:

$$DRC = \frac{A+M+(B)(C)+E(A/G)F}{(H-(I/J)K)L}$$



(1)

که در آن

$A =$ هزینه سربار تولید برای یک واحد از محصول (ریال)

$M =$ هزینه های غیر تجاری برای یک واحد از محصول (ریال)

$B =$ ضریب تعدیل هزینه دستمزد نیروی کار برای تخمین هزینه فرصت آن (در این مطالعه از ضریب 0/75 استفاده شده است)

$E =$ ضریب تعدیل هزینه سرمایه بکار رفته برای تخمین هزینه فرصت آن (در این مطالعه از ضریب 0/20 استفاده شده است)

$C =$ هزینه دستمزد مستقیم نیروی کار برای یک واحد از محصول (ریال)

$G =$ هزینه کل سربار تولید در یکسال برای همه محصولات (میلیون ریال)

$(A/G) =$ سهم تناسبی هزینه های سربار برای یک واحد محصول

$F =$ ارزش کل سرمایه (میلیون ریال)

$(E)(F)(A/G) =$ هزینه فرصتی سرمایه برای یک واحد محصول

$H =$ قیمت جهانی محصول (دلار)

$I =$ ارزش موارد مصرفی و کالاهای واسطه ای مصرف شده برای هر واحد محصول (ریال)

$J =$ ارزش کل مواد مصرفی و کالاهای واسطه ای مصرف شده برای همه محصولات در یکسال (ریال)

$K =$ ارزش کل مواد مصرفی و کالاهای واسطه ای مصرف شده برای همه محصولات در یکسال (دلار)

$(I/J) =$ سهم تناسبی مواد مصرفی و کالاهای واسطه ای مصرف شده برای یک واحد محصول (ریال)

$(I/J)K =$ ارزش کل مواد مصرفی و کالاهای واسطه ای مصرف شده برای یک واحد محصول (دلار)

$L =$ نرخ سایه ای ارز (به دلار)

بدین ترتیب ملاحظه می شود که صورت کسر DRC شامل هزینه های عوامل اولیه (نیروی کار و سرمایه) و همچنین هزینه های غیر تجاری و مخارج کسر نیز شامل ارزش افزوده جهانی محصول تولید شده می باشد.

استفاده از سیستم حسابداری صنعتی در محاسبه معیار هزینه منابع داخلی در مقایسه با روش های قبلی محاسبه این معیار می تواند ما را به نتایج صحیح تری رهنمون سازد. زیرا اولاً که حسابداری صنعتی یک سیستم پیشرفته منظم است که تمامی اطلاعات مربوط به هزینه محصول تولید شده در آن ثبت می شود. ثانیاً: در محاسبه معیار هزینه منابع داخلی در کلیه مراحل از قیمت های سایه ای استفاده می شود. ثالثاً: با استفاده از سیستم حسابداری صنعتی که از دقیق ترین روش ها برای یافتن هزینه یک محصول مشخص از میان چند محصول بهره می برد امکان محاسبه شاخص DRC برای یک محصول خاص فراهم می گردد.



3 - نتایج و بحث

معیار هزینه منابع داخلی بر اساس رابطه شماره (1) برای گروهی از محصولات صنایع تبدیلی غذایی. بر اساس آمار و اطلاعات حسابداری صنعتی واحدهای تولیدی در سال 1382 انجام گرفته است. سعی شده است که واحدهایی در نظر گرفته شود که دارای معیارهایی از جمله واحد شاخص در زمینه تولید محصولات، وجود سیستم منظم حسابداری، سهم بیشتر از بازار و باشد. بر این اساس در زمینه تولید انواع آبیوه و کنسانتره، تعداد دو واحد تولیدی و در زمینه تولید رب گوجه فرنگی با توجه به اینکه اکثر این واحدها محصولات دیگری از قبیل کمپوت نیز تولید می نمایند تعداد سه واحد تولیدی انتخاب گردید.

نتایج حاصل از محاسبه شاخص DRC برای 22 محصول مورد بررسی در سال 1382 محاسبه و نتایج آن در جدول شماره (1) درج گردیده است. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول، بررسی پتانسیل های صادراتی سه نوع محصول رب گوجه فرنگی نشان می دهد که رب در قوطی های 500 گرمی فاقد مزیت نسبی می باشد. اما دو نوع دیگر آن یعنی رب 1000 گرمی و رب اسبیتک از مزیت نسبی برخوردار بوده اما شاخص DRC برای آن دو به عدد بحرانی یک نزدیک است.

در بین انواع آبیوه، تنها آب سیب دارای مزیت نسبی بوده ($DRC < 1$) و شاخص DRC برای سه نوع محصول دیگر عدم وجود مزیت نسبی را نشان می دهد.

در مورد کنسانتره وضعیت قدرت رقابتی به مراتب بهتر بوده است به طوری که محاسبه شاخص DRC برای چهار رنوع محصول کنسانتره سیب، کنسانتره انگور، کنسانتره آلبالو و کنسانتره انار حاکی از وجود مزیت نسبی بوده است.

در هشت نوع محصول مورد بررسی در گروه نوشابه میوه (بدون گاز) چهار محصول نوشابه سیب موز، و نوشابه سیب آناناس، سیب آناناس پرتقال و نوشابه انگور بر اساس شاخص DRC از مزیت نسبی برخوردار بوده اند. شاخص DRC برای سایر محصولات بزرگتر از یک بدست آمده که حاکی از توان پایین رقابت پذیری این محصولات است.

شاخص DRC محاسبه شده برای انواع کمپوت میوه (کمپوت گیلاس، گلابی و سیب) نیز نشان دهنده وجود مزیت نسبی در تولید این محصولات بوده است اما مقدار DRC برای کمپوت گلابی به عدد بحرانی یک بسیار نزدیک می باشد.



جدول شماره (1) مقدار DRC محاسبه شده در سال 1382

ضریب DRC	نام محصول	گروه محصول	ردیف
0/927 1/37 0/906	رب گوجه فرنگی 1000 گرمی رب گوجه فرنگی 500 گرمی رب گوجه فرنگی اسیتیک	انواع رب گوجه فرنگی	1
0/791 1/06 1/23 1/38	آب سیب آب انگور آب آلبالو آب انار	انواع آبمیوه	2
0/799 0/770 0/898 0/913	کنسانتره سیب کنسانتره انگور کنسانتره آلبالو کنسانتره انار	انواع کنسانتره	3
1/19 0/657 0/604 0/794 1/06 1/146 0/922 1/132	نوشابه پرتقال نوشابه سیب موز نوشابه سیب آناناس نوشابه سیب آناناس پرتقال نوشابه سیب نوشابه آلبالو نوشابه انگور نوشابه گلابی	انواع نوشابه (بدون گاز)	4
0/828 0/954 0/813	کمپوت گلابی کمپوت گیلان کمپوت سیب	انواع کمپوت	5

مأخذ : محاسبات تحقیق

3-1 - رتبه بندی محصولات منتخب

بررسی مقایسه ای محصولات از این جهت دارای اهمیت است که می توان به وسیله آن اولویت بندی محصولات مختلف را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در واقع می توان برای استفاده بهینه تر از منابع تولیدی در سیاستگذاریها برای تولید محصولات مشابه از آن بهره گرفت. مقایسه رتبه ای محصولات دارای مزیت



نسبی به همراه محصولات فاقد مزیت نسبی در جدول شماره (2) نشان داده شده است. از این جدول نتایج زیر حاصل می شود:

1 - در بین کل محصولات ، نوشابه سیب آناناس و سیب موز تقریباً دارای ارزش رتبه ای یکسان و در مراتب اول و دوم قرار گرفته که حاکی از توان رقابت پذیری بالای این دو محصول است به این ترتیب در این گروه نوشابه سیب آناناس پرتقال و انگور در رده های بعدی و در بین کل محصولات در رتبه های پنجم و دوازدهم قرار دارند. همچنین سایر محصولات این گروه فاقد مزیت نسبی بوده و به ترتیب در رتبه های 16، 17، 18 و 19 قرار گرفته اند.

2 - در بین انواع کنسانتره ، کنسانتره انگور از قدرت مزیت رقابتی بیشتری برخوردار بوده و از نظر جایگاه در بین دیگر محصولات مورد بررسی رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. سه محصول دیگر در این گروه یعنی کنسانتره سیب، کنسانتره آلبالو و کنسانتره انار به ترتیب در مراتب ششم، نهم و یازدهم جای گرفته اند.

3 - در بین چهار نوع آبمیوه مورد بررسی، تنها آب سیب دارای مزیت نسبی بوده که در مرتبه چهارم قرار دارد و سه نوع آبمیوه دیگر در این گروه یعنی آب انگور، آب آلبالو و آب انار فاقد مزیت نسبی بوده و به ترتیب در رتبه های 15 ، 20 و 22 قرار گرفته اند

4 - در بین تولید انواع کمپوت میوه کمپوت سیب از وضعیت بهتری برخوردار بوده و رتبه هفتم را در بین کل محصولات به خود اختصاص داده است. کمپوت گیلاس و گلابی نیز به ترتیب در رده های هشتم و چهاردهم قرار دارند.

5 - انواع مختلف رب گوجه فرنگی نیز از دیگر محصولاتی بوده که در ارزشیابی رتبه بندی محصولات قرار گرفته است. در این گروه رب اسیتیک رتبه دهم را به خود اختصاص داده است . رب 1000 گرمی در رتبه 13 و رب 500 گرمی نیز فاقد مزیت نسبی بوده و در رتبه 21 قرار گرفته است.



جدول شماره (2) رتبه بندی محصول بر اساس شاخص DRC در سال 1382

رتبه	ضریب DRC	نام محصول
1	0/604	نوشابه سیب آناناس
2	0/657	نوشابه سیب موز
3	0/77	کنسانتره انگور
4	0/791	آب سیب
5	0/794	نوشابه سیب آناناس پرتقال
6	0/799	کنسانتره سیب
7	0/813	کمپوت سیب
8	0/828	کمپوت گیلان
9	0/898	کنسانتره آلبالو
10	0/906	رب اسپتیک
11	0/913	کنسانتره انار
12	0/922	نوشابه انگور
13	0/927	رب گوجه فرنگی 1000 گرمی
14	0/954	کمپوت گلابی
15	1/06	آب انگور
16	1/06	نوشابه سیب
17	1/13	نوشابه گلابی
18	1/14	نوشابه آلبالو
19	1/19	نوشابه پرتقال
20	1/23	آب آلبالو
21	1/37	رب گوجه فرنگی 500 گرمی
22	1/38	آب انار

مأخذ: یافته های تحقیق

3-2- مقایسه مزیت نسبی گروههای محصولات مورد بررسی

بر اساس ارقام بدست آمده برای معیار DRC می توان با متوسط گیری از اعداد محاسبه شده برای محصولات در هر گروه به میانگین DRC برای هر یک از گروهها دست یافت. نتایج حاصل از این محاسبات رتبه بندی بر مبنای آن در جدول شماره (3) نشان داده شده است. همانطور که در جدول می توان مشاهده



نمود تولید کنسانتره میوه به لحاظ در برداشتن حداقل میانگین شاخص DRC ($DRC=0/845$) از بیشترین قدرت رقابت پذیری برخوردار بوده است. بعد از کنسانتره، تولید کمپوت میوه و نوشابه میوه (بدون گاز)، به ترتیب در رتبه های دوم و سوم قرار گرفته اند، سایر گروهها نیز بر اساس میانگین بدست آمده برای شاخص DRC فاقد مزیت نسبی بوده اند.

جدول شماره (3) رتبه بندی گروههای تولیدی محصولات بر اساس معیار DRC

رتبه	میانگین DRC	گروه محصولات
1	0/845	کنسانتره
2	0/865	کمپوت
3	0/938	نوشابه میوه (بدون گاز)
4	1/06	رب گوجه فرنگی
5	1/11	آبمیوه

مأخذ محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادات زیر ارائه می شود:

- توجه و حمایت بیشتر از محصولاتی که مزیت نسبی بیشتری برخوردارند به این ترتیب که در تولید کنسانتره هر چهار نوع محصول به ترتیب کنسانتره انگور، کنسانتره سیب، کنسانتره آلبالو و کنسانتره انار در تولید رب گوجه فرنگی رب اسپتیک و رب 1000 گرمی در تولید آبمیوه آب سیب در تولید نوشابه میوه به ترتیب نوشابه سیب آناناس، سیب موز، سیب آناناس پرتقال و نوشابه انگور در تولید کمپوت میوه، کمپوت سیب، کمپوت گیلاس و کمپوت گلابی
- در برنامه ریزیهای تنظیم مقدار تولید محصولات مختلف توان قدرت رقابت پذیری محصولات در نظر گرفته شود.
- کاهش هزینه های تمام شده هر واحد از محصول بیشتر از طریق کاهش هزینه های تمام شده مواد اولیه

منابع

- 1- سیف، الله مراد (1379)، روش شناسی و کاربردهای هزینه منابع داخلی: ارزیابی یک رهیافت جدید، رساله دکترا، دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان
- 2- سالواتوره، دومینیک (1376) تجارت بین الملل، ترجمه حمید رضا ارباب، نشر نی، تهران



3- کرمانی، م و دایی، ب(1376)، مزیت‌های نسبی آشکار شده در صنایع گاز ایران، فصلنامه اقتصاد و مدیریت، شماره 35

4- موسی نژاد، محمد قلی(1375)، مزیت نسبی محصولات کشاورزی و سیاست تشویق صادرات، سمینار کشاورزی ایران و بازارهای جهانی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی

5- نادری، ابوالقاسم(1371)، مزیت نسبی و توسعه صادرات در ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران

6- Bruno, M. (1972) Domestic resource Cost and effective protection: clarification and synthesis, Journal of political Economy

7- Masters, W.A. and A.W. Nelson, (1995), measuring the comparative advantage of agricultural activities: Domestic resource cost and social cost benefit ratio, American Journal of Agricultural Economics, Vol.77, No.2.

8- Perkins, F.C. Export Performance and Enterprise Reform in China, Coastal Province, Economic Development and cultural change, pp.501-539

Archive of SID